

تذکر توحیدی امام خمینی

حيث الاسلام والمسلمين ابوالحسن يكتاش

ولایت فقیه براساس تفکر توحیدی و حاکمیت توحیدی مطرح گردیده و بر اساس همین معرفت توحیدی، به دنبال تحقق حاکمیت توحید است. امام خمینی می‌فرمایند: «اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرتبه توحید است.»^{۱۰} اساساً سرشت و آفرینش انسان برگرایش حضوری او به توحید است: «فطرة الله التي فطر الناس عليها»، انسان موحد در این بینش و معرفت توحیدی، باید چه در اعتقاد و چه در پرستش و چه در حوزه عمل و رفتار معتقد به خدای یگانه و حاکمیت انحصاری او باشد.

• اقسام توحید (توحید ریوبی)

توضیح اینکه توحید دارای مراتب و اقسامی است؛ یکی از اقسام توحید، توحید ربوی است که مبتنی بر همان معرفت و بینش توحیدی است و این توحید ربوی خداوند، شامل دو ربویت یعنی ربویت تکوینی و ربویت تشریعی است.

منظور از توحید در ربویت تکوینی ایمان به این حقیقت است که تدبیر و ادراه تکوینی جهان به دست پروردگار است و هیچ پدیده خارجی از حوزه و قلمرو ربویت او بیرون نیست؛ از دش ستارگان و حرکت منظمههای هستی و زنش باد، رویش گیاه و جنبش یک مور،

اساساً توحید، محور همه آموزه‌های دینی است و نظام‌های مختلف دینی مانند نظام اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به آن منتهی می‌شود. تنها یک نگرش و اندیشه محدود به ذهن نیست؛ بلکه افروز بر اعتقادات، رفتارها و اعمال راسامان می‌دهد و بیشترین نقش و تأثیر را در شکل‌گیری و تنظیم روابط جامعه اسلامی و نهادهای حکومتی و مردمی دارد؛^{۱۰} از همین رو است که «توحید یک مسلمان واقعی، صرفاً یک اندیشه و عقیده خشک نیست؛ همان طور که مه با تدبیر و اشراف «رب العالمین» انجام پذیرد.^{۱۱} مرحله متعالی توحید که بدون آن، توحید به حد نصاب لازم خود نمی‌رسد، ایمان توحید در ربویت تشريعی است؛ براساس توحید در ربویت تشريعی، انسان باید تنها خداوند و کسی که خداوند دستور داده، لاعات کند و تنها قانون و فرمان او را به گوش ایان بخرد و اراده کسی جز خدای سبحان و نون کسی جز فرمان پورده‌گار عالم را نپذیرد و تنها برای او حق فرمان و قانون‌گذاری قائل شد.

۰ ارتباط ولایت فقیه با تفکر اکمیت الهی

یمان به رویت تشريعی الهی، از مراحل سیار مهم اندیشه توحیدی است که ولایت یهیه بر آن استوار است. نگرش توحیدی صرفاً ک اعتقاد نظری نیست، بلکه بر اساس فطرت حیدی انسان، باید در گرایش‌ها، کنش‌ها و تمارهای سیاسی فرد به روشی تجلی باید. در رویت تشريعی خداوند همان‌گونه که تکوینیات، رب و صاحب اختیار انسان جهان است، در وضع و تشریع قانون و در

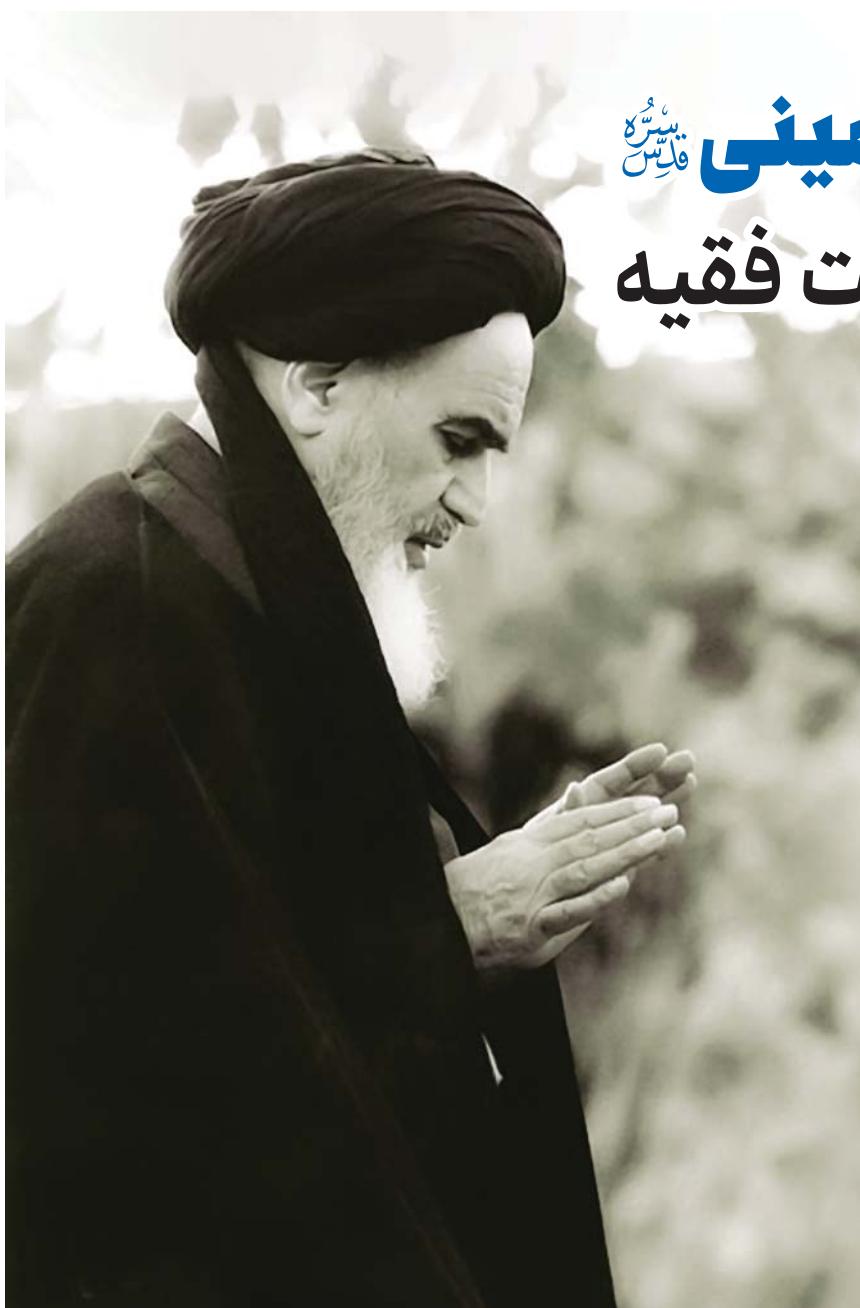
حرای آن، برای انسان صاحب اختیار است. «در اسلام، تنها معبود انسان و بلکه کل

٠ حاكمية الله ونفي طاغوت

خدای متعال چه در تقویں و چه تشریع
حاکمیت دارد و این حاکمیت بالاصاله تنها
آن اوست. از آنجا که حاکمیت به معنای
بوق و قدرت عالیه و برتر گفته می‌شود و
عبارتی به اراده برتر و صاحب اختیار در
وضع قانون و اجرای آن را حاکمیت می‌گویند،
بر پیش توحیدی اسلام، حاکمیت از آن
مداوند متعال بوده و از شؤون ربویت الهی
باشد. در پیش اسلامی برتری واقعی با
مداوند است و او از هر موجودی برتر بوده و
ده و قدرت قاهرش از همه موجودات برتر
بالاتر است؛ بنابراین خداوند چون خالق
مالک و رب انسان است، برای همین
اگر انتقام از آن را نمایند

۰ شرک عملی در اطاعت از طاغوت و ضرورت احتزار با آن

جناب اران حسیار، وضع قانون و اداره امور انسانها را عهده دارد؛ زیرا تنها خدای متعال مالک حقیقی جهان و دارنده حاکمیت اصلی بر انسان است و غیر از او هیچ کس حاکمیتی مگر با اذن او بر دیگران ندارد. امام خمینی ره حاکمیت ذاتی را از آن دادوند متعال داشته و می فرماید: «کسی نز خدا حق حکومت بر کسی ندارد و حق نون گذاری نیز ندارد و خدا به حکم عقل، ید خود برای مردم حکومت تشکیل دهد قانون وضع کند».^۱ این سخن مقتضای اات کریمه متعددی است که به آن اشاره کنیم. خدای متعال می فرماید: «ان الله له كُلُّ الْسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۲ (إنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ مَرَّ الْأَعْبُدُوا إِلَيْهَا إِيَّاهُ»^۳ (وَمَا اخْلَقْنَا فِيهِ مِنْ كُلِّ إِنْسَانٍ فَحَكِيمٌ إِلَيْهِ اللَّهُ ۝) (فَاحْكُمْ بِيَنَّهُمْ مَا دَرَى اللَّهُ ۝) (وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ



چراغ راہ طلاب

کتاب «جهاد اکبر» یا «مبارزه با نفس»، گزیده‌ای از سخنرانی‌های امام خمینی در نجف اشرف است که رای طلاب علوم دینی ایراد شده است. این اثر، با وجود اختصار، سرشار از آموزه‌های ارزشمند اخلاقی و تربیتی در مینه تهذیب نفس و جهاد اکبر است. در ادامه، برخی از نکات تقدیم خواهند گان ارجمند می‌شود.

- از شما توقع است که وقتی از مرکز فقه رفتید، خود بهذب و ساخته شده باشید تا بتوانید مردم را بسازید و طبق آداب و دستورات اخلاقی اسلام، آنان را تربیت کنید. ما اگر خدای نخواسته در مرکز علم خود را اصلاح نکردیم، هر جاکه بروید (العیاذ بالله) مردم را منحرف ساخته، به سلام و روحانیت بدین خواهید کرد. ص ۲۳

- درد اینجا است: اگر مردم از شما عملی که بر خلاف منتظر است، مشاهده کنند از دین منحرف می‌شوند، از وحانیت بر می‌گردند. نه از فرد، ای کاش از فرد بر می‌گشتند به یک فرد بدین می‌شدنند... لکن اگر آخوندی عمل اشایسته‌ای انجام دهد نمی‌گویند فلان آخوند، منحرف است. گفته می‌شود: (آخوندها بدن) ص ۲۴

- اگر عالیمی منحرف شد ممکن است امتی را منحرف ساخته به عفونت بکشد و اگر عالیمی مهدب باشد، خلاق و آداب اسلامی را رعایت نماید، جامعه را مهدب هدایت می‌کند.

در بعض از شهرستانهایی که تابستانها به انجامی رفتم
کسی دیدم اهالی آن بسیار مؤدب به آداب شرع بودند،
کته اش این بود که عالم صالح و پر هیگر ای داشتند.

اگر عایم ورع و درستکاری در یک جامعه یا شهر و سنتانی زندگی کند همان وجود او باعث تهذیب و هدایت سردم آن سامان می‌گردد اگرچه لفظاً تبلیغ و ارشاد نکند.

- آنان که دین‌سازی کرده باعث گمراهی و انحراف جماعت انبویه شده‌اند بیشترشان اهل علم بوده‌اند، بعضی از آنان در مراکز علم تحصیل کرده ریاضت‌ها را پنهان کرده‌اند.

رئیس یکی از فرق باطله در همین حوزه‌های ما تحصیل کرده است. لکن چون تحصیلاتش با تهدیب و تزییه توان بوده، در راه خدا قدم بر نمی‌داشته، خبائث را از خود دور ساخته بود آن همه رسوایی بیار آورده است. اگر انسان، خبائث را از نهادش بیرون نکند، هرچه درس بخواند و تحصیل نماید نه تنها فایده‌ای بر آن مترب نمی‌شود بلکه

علم، وقتی در این مرکز خبیث وارد شد شاخ و برگ
خرشیده شد.

- اگر شما درس بخوانید، زحمت بکشید، ممکن است عالم شوید ولی باید بدانید که میان عالِم و مهدب خیلی باصله است. مرحوم شیخ، استاد ما (رضوان اللہ تعالیٰ علیہ) سے فرمود: اب کوئی نہ ملا شد کہ آسان آدم شدن

- این اصطلاحات خشک اگر بدون تقوی و تهذیب شکل، آدم شدن محال است) ص ۲۸
 - چه مشکل) صحیح نیست. باید گفت (ملا شدن چه

فیس باشد هرچه بیشتر در ذهن انباشته گردد کبر و خوت، در دائره نفس، بیشتر توسعه می‌یابد و عالم یهودیه بختی که باد نخوت بر او چیز شده نمی‌تواند خود و جامعه را اصلاح نماید و جز زبان برای اسلام و مسلمین تبیجه‌ای بیار نمی‌آورد و پس از سالها تحصیل علوم و صرف وجهو شرعی، بخودداری از حقوق و مزایای اسلامی سد راه پیشرفت اسلام و مسلمین می‌گردد و ملت‌ها را گمراه منحرف می‌سازد و ثمره این درسها، بحثها، و بودن ر. حوزه‌ها، این می‌شود که نگذارد اسلام معرفی گردد، حقیقت قرآن به دنیا عرضه شود بلکه وجود او ممکن است بحث معرفت جامعه نسبت به اسلام و روحانیت گردد. ص

- من نمی‌گوییم درس نخوانید، تحصیل نکنید. باید توجه داشته باشید که اگر بخواهید عضو مفید و مؤثری برای سلام و جامعه باشید، ملتی را هبّری کرده به اسلام متوجه سازید، از اساس اسلام دفاع کنید، لازم است پایه فقاهت اتحکیم کرده صاحب نظر باشید، اگر خدای نخواسته

رس نخواید حرام است در مدرسه بمانید، نمی توانید از حقوق شرعی محصلین علوم اسلامی استفاده کنید. البته تحصیل علم لازم است منتهی همانطور که در مسائل فقهی و اصولی زحمت می کشید در راه اصلاح خود نیز توشیش کنید، هر قدمی که برای تحصیل علم بر می دارید لذمی هم برای کوییدن خواسته های نفسانی، تقویت قوای وحانی، کسب مکارم اخلاق، تحصیل معنویات و تقوی ردارید. ص ۳۰

- شما به منظور هدفی عالی و مقدس که عبارت از خداشناسی و تهذیب نفس می باشد این علوم را فرا می گیرید و باید در صدد بدست آوردن ثمره و نتیجه کار خود باشید، برای رسیدن به مقصد اصلی و اساسی خود

جذب کنید. ص ۳۰

- شما وقتی وارد حوزه می‌شوید پیش از هر کار باید در صدد اصلاح خود باشید و مدامی که در حوزه بسر می‌برید ضمن تحصیل باید نفس خود را تهدیب کنید، تا آنگاه که از حوزه بیرون رفته در شهر و یا محلی رهبری ملتی! بر عهده گرفتید مردم از اعمال و کردار شما، از فضایل خلاقی شما استفاده کنند، پند گیرند، اصلاح شوند. کوشید پیش از آنکه وارد جامعه گردید خود را اصلاح نماید، مذهب سازید. ص ۳۰

۱۰

١. امام خمینی، صحیحه امام، ج، ٨، ص ٤٣٤.

٢. رک. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج، ١٤، ص ٤٨ و ٤٩.

٣. امام خمینی، کشف اسرار، ص ١٨٤.

٤. توبه، ١١٦.

٥. یوسف، ٤٥.

٦. سوری، ١٥.

٧. مائدہ، ٤٨.

٨. مائدہ، ٤٧.

٩. امام خمینی، کشف اسرار، ص ١٨٤.

١٠. توبه، ١١٦.

١١. یوسف، ٤٥.

١٢. سوری، ١٥.

١٣. مائدہ، ٤٨.

١٤. مائدہ، ٤٧.

١٥. مائدہ، ٤٧.

١٦. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ٣٥.

١٧. محسن اراکی، فقه نظام سیاسی اسلام، ج، ١، ص ٢٤٥.

١٨. حمان، ص ٢٢٣.

١٩. تحلیل، ٣٦.

٢٠. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ١٢٧.

٢١. امام خمینی، کلمات قصار، ص ١١٧.

٢٢. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ٢٧.

٢٣. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ٢٨.